

Original Article

A Qualitative Study of Optimal Human Rights Education in the Iranian Legal System from the Perspective of East and West Azerbaijan University Professors

Fakhradin Samdi¹, Masoud Raei^{2*}, Mohammad Medi Ghamami³

1. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

Email: masoudraei@yahoo.com

3. Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran, Assistant Professor, Department of Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

Received: 3 Apr 2020 Accepted: 28 Jul 2020

Abstract

Background and Aim: The right to education is a fundamental human right and governments are obliged to provide it free of charge, at least in the form of basic education, to the people of their community (Article 26 1 1 of the Universal Declaration of Human Rights), which is, of course, common to all governments and it is mentioned in the constitutions of most countries, including the constitution of the Islamic Republic of Iran, which is also mentioned in Article 30. In this regard, in the present study, we tried to examine the desired model of human rights in Iran from the perspective of its education among the faculty members of East and West Azerbaijan universities.

Materials and Methods: The research method is a combination of quantitative and qualitative methods. Type of data is Quantity Which chosen among 54 people, 38 university professors with snowball method in Eastern and Western Azarbayjanhay practices and questions have been raised. Data were collected in such a way that the validity and reliability of research questions were assessed using semi-structured interviews.

Findings: Human rights education activities require material costs and planning in various areas of formal education that can foster right-wing thinking among members of society. Also, the most basic step in fulfilling human rights obligations is to teach it to students in schools so that the culture of peace and human rights can be confidently internalized in the minds of the next generation of society, from the very beginning of civil life.

Conclusion: An examination of the Iranian legal system shows that the Charter of Civil Rights does not show human rights education or citizenship in schools, which is a big mistake. To address this weakness, the inclusion of human rights units in schools is essential. The government's lack of serious will to promote human rights sends a message to Iranian civil society that it has taken the initiative and address human rights education among the most vulnerable, including women, children, minorities and the disabled throughout the country, especially in less developed areas.

Keywords: Human Rights; Education; Human Rights Education; Legal System

Please cite this article as: Samdi F, Raei M, Ghamami MM. A Qualitative Study of Optimal Human Rights Education in the Iranian Legal System from the Perspective of East and West Azerbaijan University Professors. *Iran J Med Law, Special Issue on Human Rights and Citizenship Rights 2020; 313-328.*

بررسی کیفی آموزش مطلوب حقوق بشر در نظام حقوقی ایران از منظر اساتید دانشگاه‌های آذربایجان شرقی و غربی

فخرالدین صمدی^۱، مسعود راعی^{۲*}، محمدمهدی غمامی^۳

۱. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. (نویسنده مسؤل) Email: masoudraei@yahoo.com

۳. گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران و استادیار گروه حقوق، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵ پذیرش: ۱۳۹۹/۵/۷

چکیده

زمینه و هدف: حق بر آموزش یکی از حقوق اساسی بشر است و دولت‌ها موظف‌اند آن را به طور رایگان لاقط در حد تعلیمات ابتدایی برای مردم جامعه خودشان فراهم کنند (بند ۱ ماده ۲۶ اعلامیه حقوق بشر) که البته مورد اتفاق همه دولت‌ها واقع شده و در قوانین اساسی اغلب کشورها به آن اشاره شده است، از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اصل ۳۰ نیز بدان اشاره کرده است. در همین راستا در پژوهش حاضر درصددیم تا الگوی مطلوب حقوق بشر را در ایران از منظر آموزش آن، در میان اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های آذربایجان شرقی و غربی بررسی کنیم.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش، تلفیقی از روش‌های کمی و کیفی است. نوع داده‌ها کمی است که از میان ۵۴ نفر، ۳۸ نفر از اساتید دانشگاه‌های آذربایجان‌های شرقی و غربی به شیوه گلوله برفی انتخاب شده‌اند و سؤالات با آنان مطرح شده است. گردآوری داده‌ها به گونه‌ای انجام شد که میزان روایی و پایایی سؤالات تحقیق با استفاده مصاحبه نیمه‌ساختاریافته مورد سنجش قرار گرفت.

یافته‌ها: فعالیت‌های آموزشی در زمینه حقوق بشر نیازمند هزینه‌های مادی و برنامه‌ریزی در عرصه‌های مختلف آموزش رسمی است که بتواند تفکر حق‌مدارانه را در میان افراد جامعه پرورش دهد. همچنین اساسی‌ترین گام در اجرای تعهدات حقوق بشری، آموزش آن به دانش‌آموزان در مدارس است تا فرهنگ صلح و حقوق بشر در اندیشه نسل فردای جامعه، از همان اوایل زندگی مدنی، با اطمینان درونی شود.

نتیجه‌گیری: بررسی نظام حقوقی ایران نشان‌دهنده آن است که در منشور حقوق شهروندی، آموزش حقوق بشر یا شهروندی در مدارس دیده نمی‌شود که یک خطای بزرگ است. برای مرتفع کردن این ضعف، گنجانیدن واحدهای حقوق بشری در مدارس ضروری است. فقدان اراده جدی دولت در ترویج حقوق بشر، این پیام را به جامعه مدنی ایران می‌دهد که ابتکار عمل را به دست گرفته و به آموزش حقوق بشر در نزد اقشار آسیب‌پذیرتر از جمله زنان، کودکان، اقلیت‌ها و معلولان در سراسر کشور و به ویژه در مناطق کم‌تر توسعه‌یافته گام بردارند.

واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ آموزش؛ آموزش حقوق بشر؛ نظام حقوقی

مقدمه

حق آموزش از جمله حق‌هایی است که کم‌تر به اهمیت بنیادین آن توجه شده است. اسناد بین‌المللی حقوق بشر این حق را در زمره حقوق فرهنگی بشر برشمرده‌اند و بیشتر حقوقدانان نیز با توسل به اصل ظهور این حق را در همین قلمرو دانسته‌اند، غافل از آنکه این حق فی‌نفسه در میان سلسله مراتب قواعد حقوق بین‌الملل چه منزلت و مقامی دارد. حق بر آموزش به عنوان سازنده زیربنای فهم و درک انسان و مجرای تعیین و تحقق دیگر حقوق معنوی از جمله آزادی اندیشه، بیان و مذهب، از منزلتی بسیار رفیع در میان سایر حقوق انسان برخوردار است و با عنایت به مفاد اسناد حقوق بشری موجود می‌توان دست کم در سطوح ابتدایی آموزش این حق را واجد وصف‌آمرانه دانست. از سویی دیگر این آموزش نمی‌تواند و نباید فارغ از الزامات حقوق بشری باشد. حق بر آموزش فارغ از حق بر آموزش خرد حداقلی معنا نمی‌یابد. شروع فرایند آموزش، بدون ایجاد زمینه‌ای برای توانمندسازی اندیشه درباره درستی یا نادرستی شکل و ماهیت آموزش و نیز بی‌توجهی به لزوم آموزش عقلانی و سیستماتیک مدارا خود به نتایج غیر قابل پیش‌بینی ختم می‌شود (۱).

اجرای تدریجی اصول حقوق بشر تا اندازه زیادی وظیفه آموزش است. در میان مؤسسات اجتماعی، فرهنگی و آموزشی (مانند مدارس و دانشگاه‌ها) این وظیفه را دارند که به نحوی مؤثر و با همه امکانات خود کمک کند تا فهم اصول بنیادی حقوق بشر گسترش یابد و انسان‌های آینده با رفتار و کردار منطبق بر این اصول بار آیند (۲). بر این مبنا هدف نهایی آموزش حقوق بشر توانمندسازی افراد است؛ توانمندی برای مشارکت مؤثر در جامعه‌ای آزاد و مردم‌سالار که تحت حاکمیت قانون اداره می‌شود. افراد در آموزش حقوق بشر گفتگوی مؤثر را می‌آموزند و زندگی مسالمت‌آمیز و احترام به تنوع و تکثر سایر انسان‌ها را تمرین می‌کنند. در زندگی اجتماعی همه با مفهومی به نام حقوق بشر آشنا هستند، اما در عمل بی‌احترامی و در نهایت نقض این حقوق را شاهدند. افرادی ممکن است در صورت مشاهده نقض حقوق خود و یا تجاوز به آن، از دیگران توقع داشته باشند که حقوق آنان را به

رسمیت بشناسند و به آن احترام بگذارند، در صورتی که یکی از موارد مهمی که برای زندگی در جوامع امروزی باید به آن پایبند بود، این است که همه شهروندان بدانند همیشه حقوق، به همراه خود تکالیفی به همراه دارد. به این معنا که اگر فردی از دیگران انتظار دارد به حقوق وی احترام بگذارند، در مقابل او نیز وظیفه دارد حقوق دیگران را به رسمیت بشناسد. بدیهی است پایین‌ترین سطح آموزشی فرد، یعنی دوران آموزش تحصیلی، بهترین زمان شکل‌گیری شخصیت و نهادینه‌ساختن هنجارها و ارزش‌های انسانی است. در این راستا آموزش متناسب و اصولی حقوق بشر می‌تواند به تربیت شهروندانی مسؤولیت‌پذیر و آگاه به حقوق خود و دیگران بیانجامد. با توجه به اهمیت آموزش در رعایت حقوق بشر، سازمان ملل متحد سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۴ را دهه آموزش حقوق بشر اعلام کرد تا از این طریق موجب افزایش آگاهی جهانی از حقوق بشر و تقویت فرهنگ جهانی حقوق بشر شود. به همین مناسبت فعالیت‌های بسیاری در کشورهای مختلف انجام شد که دستاوردهای مهمی به همراه داشت.

جریان آموزش حقوق بشر مانند هر فرایند آموزشی دیگر از عناصر و اجزایی تشکیل شده است که آگاهی و توجه به این عناصر به اجرای مؤثرتر آموزش حقوق بشر کمک می‌کند. همچنین ویژگی‌های گروه‌های مختلف و اقشار گوناگون جامعه باید در نحوه و چگونگی فرایند آموزش مد نظر قرار گیرد، زیرا آموزش مؤثر و فراگیر زمانی موفق می‌شود که با نیازهای زندگی افراد منطبق باشد و به توانمندی افراد جامعه منجر شود. در همین راستا، در پژوهش حاضر درصددیم تا به بررسی الگوی مطلوب آموزش حقوق بشر در نظام حقوقی ایران بپردازیم و راه‌کارهای جدیدی در این زمینه ارائه دهیم.

اصطلاحات و مفاهیم

۱- حق

حق در لغت به معنای ثابت که انکار آن روا نباشد و آنچه ادای آن واجب باشد، حال واقع، حکم مطابق با واقع است (۳). به نظر هیود حق عبارت است از: استحقاق به اقدام یا رفتار به شیوه‌ای خاص (۴)، به علاوه، حق نوعی سلطه برای فرد ایجاد

محدوده قانون پذیرفته می‌شود و در هر مقام و منزلتی که باشند باید به حقوق دیگران احترام بگذارند. همچنین آموزش حقوق بشر با آگاهی‌دادن به افراد در زمینه حقوق و وظایفشان به آن‌ها می‌آموزد که برای داشتن جامعه دموکراتیک باید برای آزادی و حقوق خود و دیگران تلاش کنند. هزاره سوم میلادی در شرایطی آغاز شده است که جامعه جهانی همچنان با چالش‌هایی جدی در زمینه دستیابی به صلح و امنیت بین‌المللی رو به رو است. موارد متعدد نقض حقوق بشر در این هزاره موجب شده است که دولت‌های جهان به فکر یافتن راه حلی به منظور پیشگیری از وقوع چنین پیشامدهایی باشند (۹). ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را مبنای تحقق صلح و امنیت در جهان معرفی می‌کند. یکی از راه‌های ترویج حقوق بشر و احترام به آزادی‌های اساسی، درونی‌ساختن و نهادینه‌کردن ارزش‌ها و اصول حقوق بشر است که برای تحقق آن آموزش حقوق بشر ضروری است (۱۰). لازم است این حقوق را به شهروندان خود بشناسانیم تا در اجتماع به گونه‌ای رفتار کنند که حقوق بشر رعایت شود و به علاوه مدافع حقوق بشر نیز باشند (۱۱). سیاستگذاران بین‌المللی و ملی متفق‌القول به این نتیجه رسیده‌اند علاج آموزش حقوق بشر در نظام آموزشی است (۱۲). اجماع فزاینده‌ای وجود دارد که آموزش برای حقوق بشر و در چارچوب حقوق بشر یک امر اساسی است و می‌تواند به کاهش نقض حقوق بشر و ایجاد جوامعی آزاد، عدالت‌محور و صلح‌طلب کمک کند. همچنین آموزش حقوق بشر به طور فزاینده‌ای به مثابه راهبردی مؤثر برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های حقوق بشری شناخته شده است (۱۳).

آموزش حقوق بشر زمینه‌ساز و زیربنای سایر آموزش‌هاست؛ شناخت اقوام، ادیان، مذاهب، نژادها و زبان‌های دیگر و چگونگی تعامل و پذیرش دیگران و تقویت حس برابری با سایرین، آموزش گروه‌های آسیب‌پذیر و ایجاد احساس مسئولیت در قبال حقوق آن‌ها، آموزش با روش‌های مناسب ابراز وجود و هویت‌یابی در چارچوب آزادی‌های فردی و گروهی، آموزش برای تربیت شهروندان مسؤول و آگاه، آموزش روش‌های حل تعارض، مذاکره، تعامل و تصمیم‌گیری، آگاهی

می‌کند که بر اساس آن چیزی را در تملک و تسلط خود نگه می‌دارد. همچنین حق، موجود ثابت، مطابقت و موافقت است (۵) و نیز حق را قرارگرفتن چیزی در موضع خودش در نظر گرفتن است.

۲- حقوق بشر

حقوق بشر، حقوقی است که مردم به دلیل هویت انسانی باید از آن برخوردار باشند، نه به دلیل دین، نژاد و زبان و ملیت (۶). در واقع حقوق بشر را عموماً آن دسته از حقوقی فرض می‌کنند که ذاتی انسان است، مفهوم حقوق بشر تأکید می‌کند که هر انسان، بدون هیچ گونه تمایز از حیث نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، دین یا هر عقیده دیگر، اصلیت ملی یا اجتماعی، دارایی، ولادت یا هر وضعیت دیگر حق بهره‌مندی از حقوق بشر را داراست. حقوق بشر، حقوق ذاتی هستند که هر فرد به واسطه انسان بودن از آن بهره‌مند می‌شود.

۳- آموزش

آموزش به معنای آموختن، یاددادن و تعلیم در برابر تربیت است (۷). همچنین آموزش تجربه‌ای است مبتنی بر یادگیری و به منظور ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در فرد، تا او را به انجام کار و بهبود توانایی‌ها، تغییر مهارت‌ها، دانش، نگرش و رفتار اجتماعی قادر سازد. بنابراین آموزش به مفهوم تغییر دانش، نگرش و تعامل با دیگران است (۸). در اعلامیه حقوق بشر، از آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین حقوق اولیه انسان‌ها یاد شده است.

مبانی نظری؛ حقوق بشر و آموزش آن

حقوق بشر در جهان منبعث از حقوق طبیعی، تمدنی، فرهنگی و اخلاقی از زمان‌های بسیار دور در برخی از دوره‌ها و مناطق مختلف جهان مورد توجه قرار گرفت، ولی این دوره‌ها بسیار کوتاه بودند، چراکه این حقوق محدودیت‌هایی را برای حاکمیت دولت‌ها ایجاد می‌کرد و آن‌ها حاضر نبودند که از اقتدارشان کاسته شود. آموزش حقوق بشر از طریق آماده کردن افکار شهروندان در زمینه اصول اولیه و برابری و نیز گسترش تفکر حقوق بشر، روحیه برابر را در فرهنگ سیاسی جامعه دورنی کرده و افراد می‌آموزند که اعمال آن‌ها تنها در

و اجتماعی منجر می‌شود و بذره‌های خشونت و تضاد را بین جوامع و ملت‌ها می‌کارد. یکی از چالش‌های مهم در کشورها در دسترس قراردادن زبان و مفاهیم حقوق بشر و مرتبط ساختن و قابل اجرا کردن مفاهیم آن برای موقعیت‌های واقعی زندگی است. این‌گونه تحقق یافتن آموزش حقوق بشر مستلزم ملاحظاتی از جمله ارتقای کیفیت برنامه‌های آموزشی از طریق انتقال ارزش‌های انسانی برای احترام به حقوق بشر و مقام و منزلت انسانی و تحقق انسجام اجتماعی است (۱۵). بدیهی است آموزش حقوق بشر نقش بسیار مهمی در پیشگیری از نقض این قانون دارد. این تلاش‌ها مسلماً باعث احترام به حقوق انسانی، آزادی‌های اساسی، تسهیل رشد و توسعه کامل شخصیت انسان، ارتقای کرامت، افزایش درک، احترام به برابری جنسیتی، دوستی و قادر ساختن افراد برای مشارکت در ساختن جامعه‌ای آزاد و فعالیت برای ایجاد و حفظ صلح خواهد شد، ضمن این‌که از طریق یادگیری حقوق بشر، تغییر نگاه به مسائلی همچون جنسیت، طبقه و نژاد زمینه از بین رفتن مسائلی مثل فقر، جهل، تعصب و تبعیض را برای مردم به ارمغان می‌آورد. آموزش حقوق بشر و اطلاعات عمومی برای ارتقا و دستیابی به روابط پایدار و هماهنگ بین جوامع و تقویت درک متقابل از مدارا و صلح، لازم و ضروری است. از طریق آموزش و یادگیری حقوق بشر به عنوان روشی از زندگی، می‌توان تغییراتی اساسی ایجاد کرد که به ریشه‌کنی فقر، جهل، تعصبات و تبعیض جنسیتی، طبقه‌ای و مذهبی و سایر وضعیت‌های دیگر بین مردم بینجامد.

همچنین با توجه به این‌که آموزش حقوق بشر در همه مناطق جهان بر اساس خواست سیاسی و اجتماعی مردم برای بهره‌مندی از حق آموزش، آزادی و تکررگرای در هر جامعه و نیز تأمین منابع جهت مشارکت مردم و دموکراتیزه شدن شکل می‌گیرد، فرهنگ بلندمدت آموزش حقوق بشر از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، زیرا از طریق ایجاد یک نظام جامع، تعلیم و تربیت، امکانات مورد نیاز و اطلاعات عمومی هدف‌دار برای تمام گروه‌های جامعه به ویژه زنان، کودکان، اقلیت‌ها، بومیان و در تمام سطوح آموزشی در دسترس خواهد بود، به علاوه باید تأکید کرد اهمیت و ضرورت آموزش حقوق

از حقوق خود، ترویج بردباری و تساهل نسبت به عقاید دیگران، خشونت‌زدایی، مبارزه با فقر و توانمندسازی اقشار کم‌درآمد، همگی سبب توانمندسازی فردی و اجتماعی در مقابل چرخه خشونت و ناهنجاری خواهد شد (۱۴). همچنین آموزش مفاهیم حقوق بشری یکی از ضرورت‌های عصر حاضر است. عدم تأمین حقوق انسانی و نقش‌های پیوسته آن، مردم را بیشتر از هر زمانی متوجه اهمیت مسأله حقوق بشر کرده است، به ویژه که صدمات جنگ‌های طولانی و ناامنی‌های همه‌جانبه، روحیه عمومی را به قدری مخدوش کرده که تلقین و تذکر محاسن صلح نیز کاری طاقت‌فرساست. این مسائل بر حیات همه شهروندان تأثیر می‌گذارد. همه شهروندان نیاز به درک این مطلب دارند که حقوق بشر به موارد نقض حقوق انسان‌ها که برای افرادی دیگر در مکانی دیگر رخ می‌دهند، ربط ندارد. حقوق بشر به حق همه انسان‌ها، با تمام تنوع و تکثرشان، برای نیل به رشد کامل شخصیت انسانی در نظمی اجتماعی و جهانی مربوط است که در آن حقوق و آزادی‌های مطرح‌شده در اعلامیه جهانی امکان محقق شدن داشته باشند. اهمیت اصلی آموزش حقوق بشر تعلیم مهارت‌ها، ارائه اطلاعات علمی و شکل‌دادن به رفتارهایی است که باعث پیشبرد فرهنگ حقوق بشر می‌شود. رشد فعالیت‌های حقوق بشر در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ با خود رشد شناسایی بالقوه قالب حقوق بشر را برای تغییر اجتماعی و اهمیت آگاهی‌های حقوق بشری برای همه بخش‌های جامعه به ارمغان آورد. از این رو محتوای حقوق بشر در سطح یک برنامه درسی نیست، بلکه محدوده وسیعی از فرایندهای یادگیری و فعالیت‌هایی است که در سطوح مختلف، زندگی افراد (از کودکی تا بزرگسالی) را دربر می‌گیرد و آن‌ها را قادر می‌سازد که به صورت انفرادی یا جمعی شخصیت اجتماعی و توانایی‌های خود را در اجتماع شکل دهند، لذا آموزش حقوق بشر، که شامل یادگیری و تمرین حقوق بشر است، ضرورت دارد و باید در همه سطوح آموزشی اجرا شود و از طریق انتقال محتوا و تجربه‌کردن، آموزش داده شود.

نقض حقوق بشر و فقدان آزادی‌های اساسی فقط یک تراژدی شخصی و انسانی نیست، بلکه به شرایط ناآرام سیاسی

کسب اطمینان از روایی و پایایی سؤالات، با ۵ نفر از اساتید خبره مصاحبه‌های اولیه انجام شد که این مصاحبه‌ها شامل ۶ سؤال اصلی در حوزه‌های حقوق بشر و نحوه آموزش آن بود.

بعد از گردآوری داده‌ها در مرحله اول، فرایند سنجش روایی و پایایی سؤالات مصاحبه آغاز شد. به منظور محاسبه پایایی سؤالات مصاحبه، از روش توافق درون موضوعی (توافق بین دو کدگذار) که هالستی (Holsti) ارائه کرده، استفاده شد. در طول مصاحبه‌ها، مقوله‌هایی (مفاهیم) که مصاحبه‌شوندگان در بیان آن مشترک بودند به وسیله محقق و همکار کدگذار، به طور هم‌زمان کدگذاری شدند. در نهایت با کمک فرمول محاسبه پایایی، میزان پایایی سؤالات مصاحبه ارزیابی شد. در این روش هرچه میزان اختلاف بین کدگذاران بیشتر باشد، ضریب پایایی کمتر خواهد شد و بر عکس، هرچه میزان توافق بیشتر باشد، ضریب پایایی بالاتر خواهد رفت. حداقل ضریب پایایی برای محاسبات نیز ۰/۶ ذکر شده است. فرمول زیر محاسبه پایایی مصاحبه را نشان می‌دهد.

$$\text{پایایی} = \frac{2M}{N_1 + N_2}$$

$2M$ = تعداد موارد کدگذاری شده بین دو کدگذار که بین آن‌ها توافق وجود دارد.

N_1 و N_2 = به ترتیب تعداد کل موارد کدگذاری شده توسط کدگذار اول و دوم است.

نتایج بررسی پایایی بین دو کدگذار در مصاحبه‌ها نشان می‌دهد ضرایب پایایی توافق درون موضوعی همه سؤالات بالاتر از ۰/۶ بوده که این امر نشان‌دهنده تأیید ضریب پایایی سؤالات مصاحبه‌هاست.

بعد از اتمام مرحله اول، فرایند گردآوری داده‌ها وارد مرحله دوم شد که هدف از آن گردآوری اطلاعات مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل و ارائه مدل بود. برای این کار سؤالات مصاحبه بین ۳۸ نفر از اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های آزاد و دولتی (سراسری و پیام نور) توزیع شد. برای توزیع و جمع‌آوری سؤالات مصاحبه و نیز تحلیل آن‌ها از روش دلفی استفاده شد. در طول فرایند گردآوری اطلاعات مفاهیم و

بشر برای تشویق برخوردهای مبتنی بر دگرپذیری، احترام و همبستگی، به دست‌آوردن شناخت و اطلاعات در مورد حقوق افراد و آگاه‌ساختن آن‌ها راهی است که از طریق آن می‌توان تفاوت‌های بین جوامع را به فرصت‌هایی برای زندگی مسالمت آمیز تبدیل کرد.

مواد و روش‌ها

رویکرد تحقیق حاضر به لحاظ هدف بنیادی است، زیرا به توسعه مبانی نظریه‌پردازی در امر آموزش حقوق بشر کمک می‌کند و به لحاظ ماهیت و روش جزء مطالعاتی توصیفی است، چون ساختار، ویژگی‌ها و راه‌های موجود را برای آموزش حقوق بشر توصیف می‌کند. افراد مورد مطالعه در تحقیق حاضر اساتید (اعضای هیأت علمی و مدعو) دانشگاه‌های آزاد، سراسری و پیام نور هستند که در رشته‌های آموزشی حقوق (عمومی و بین‌الملل)، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی تدریس می‌کنند. در این تحقیق از روش گلوله برفی برای انتخاب نمونه‌ها در مطالعه میدانی استفاده شد. دلیل انتخاب این روش آن است که چون موضوع حقوق بشر و راه‌های آموزش آن جزء مباحث تخصصی است و محققان و افراد کمی در این حوزه به مطالعه و تحقیق می‌پردازند، لذا سعی شد از طرق مختلف اساتید علاقمند به مصاحبه و پاسخگویی به سؤالات را که تمایل دارند دانش و تجارب عملی خود را ارائه کنند، انتخاب شوند.

برای تعیین حجم نمونه، اعضای هیأت علمی در ۵۴ رشته آموزشی هستند، لذا حجم نمونه برای اعضای هیأت علمی به لحاظ اشباع و کفایت داده‌ها ۳۸ نفر در نظر گرفته شد. گردآوری داده‌ها در دو مرحله انجام شد: در مرحله اول از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد تا میزان روایی (اعتبار (Validity)) و پایایی (اعتماد (Reliability)) سؤالات تحقیق ارزیابی شود، البته علت اصلی استفاده از این نوع مصاحبه، شناسایی ایده‌های اولیه و عمیق برای توسعه الگوی نظری و تحقیقات تجربی آتی بود تا بر اساس یافته‌های کیفی (با رویکرد اکتشافی) بتوان ایده‌هایی نو را شناسایی کرد. سؤالات در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. در این راستا برای

اجزای آن‌ها به عنوان تم‌های فرعی در نظر گرفته می‌شوند. همچنین تم‌های فرعی از حاصل اجماع نظر پاسخ‌دهندگان به سؤال استخراج شده‌اند.

سؤال ۱: با توجه به ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی و سیاسی حاکم بر ایران، آموزش‌های حقوق بشری برای تأثیرگذاری بیشتر باید دارای چه مؤلفه‌هایی باشد؟

با بررسی پاسخ‌های جمع‌آوری شده مشخص شد، بیشتر پاسخ‌دهندگان بر این امر تأکید داشتند که با توجه به این که آموزش‌های حقوق بشر دربرگیرنده کلیه آموزش‌هایی است که شهروندان بر مبنای آن با حقوق اولیه و قطعی خود به عنوان یک انسان آشنا می‌شوند و بر مبنای آن مهارت‌ها و نگرش‌هایشان بهبود می‌یابد. همچنین با در نظر گرفتن شرایط تنوع قومی و مذهبی موجود در ایران، مهم‌ترین مؤلفه‌های آموزش‌های حقوق بشری در ایران در وهله اول باید شامل مفاهیمی باشد که ادراک و شناخت حقوق اولیه هر شهروند را برای وی کاملاً تبیین کند؛ در وهله دوم باید شهروندان را نسبت به تکالیف و مسؤولیت‌های فردی نسبت به دیگران و جامعه توجیه و مسؤولیت‌پذیر کنند. در این راستا پاسخ‌دهندگان به سؤال اول بر موضوعات ذیل تأکید داشتند:

- ۱۷ نفر بر «انطباق ارزش‌های حقوق بشر با ارزش‌های ایرانی - اسلامی.»

- ۲۴ نفر بر «ضمانت اجرایی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها.»

- ۱۹ نفر بر «تأمین حقوق و آزادی‌های اساسی.»

- ۲۰ نفر بر «تدوین قوانین و مقررات برای پیشگیری از تبعیضات قومی و نژادی.»

- ۱۸ نفر بر «ارتقای سطح شناخت و دانش شهروندان.»

- ۲۲ نفر بر «احترام و تکریم اصول و ارزش‌های فرهنگی گروه‌ها و اقلیت‌ها.»

- ۲۶ نفر بر «تلاش برای استقرار ارزش‌های فرامادی گرایانه و جامعه دوستانه‌تر.»

- ۲۴ نفر بر «مبارزه بدون خشونت برای احقاق حقوق.»

- ۲۳ نفر بر «تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی.»

- ۲۸ نفر بر «برابری جنسیتی.»

مقوله‌های هر سؤال که از نظر پاسخ‌دهندگان اهمیت بیشتری داشت مشخص و کدگذاری و نتایج آن در قالب تم‌های اصلی و فرعی برای همه اعضا ارسال می‌شد. این فرایند توزیع و ارسال سؤالات و جواب تا رسیدن به اجماع کلی بین اعضا ۳ دور (دفعه) تکرار شد. در نهایت موارد اجماع به صورت شبکه درختی در نرم‌افزار NVivo کدگذاری شدند و روابط بین متغیرها از طریق مسیرهای ارتباطی یک‌طرفه و در قالب مدل شبکه تحلیل تم به دست آمد. اطلاعات جامعه مورد مطالعه در قالب جدول و نمودار به اشکال زیر نشان داده می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش بر اساس پاسخ‌های گردآوری شده از مصاحبه‌ها، اجزا و عوامل مختلفی برای ارائه الگوی مطلوب آموزش حقوق بشر در ایران شناسایی شده است. در این سؤالات اجزای اصلی به عنوان تم اصلی و عوامل تشکیل‌دهنده اجزا به عنوان تم‌های فرعی مشخص شده‌اند که در فرایند تحلیل سؤالات به تفصیل بررسی خواهند شد. مؤلفه‌های اصلی برای ارائه الگوی مطلوب آموزش حقوق بشر ایران شامل ۶ تم اصلی (سؤالات اصلی) است که عبارت‌اند از:

- مؤلفه‌های آموزش حقوق بشر (HRE: Human Rights Education).

- میزان پذیرش، فرصت‌ها و چالش‌های آموزش حقوق بشر. - ویژگی‌های نهادهای متولی آموزش حقوق بشر. - تأثیرگذاری الگوی آموزش حقوق بشر بر ساختارهای اجتماعی.

- گروه‌های اولویت‌دار برای آموزش حقوق بشر.

- جایگاه نهاد ملی آموزش حقوق بشر.

بر اساس مطالعات نظری و بررسی ادبیات تحقیقات، شکل

۱ مدل مفهومی الگوی مطلوب آموزش حقوق بشر در ایران است.

تحلیل و بررسی پاسخ‌های گردآوری شده

بر اساس مدل مفهومی تحقیق ۶ سؤال تهیه و تنظیم شد تا بر اساس آن‌ها اجزای تشکیل‌دهنده هر سؤال مشخص شود. شایان ذکر است مؤلفه‌های هر سؤال به عنوان تم‌های اصلی و

دهندگان که بر دو حوزه چالش‌ها و فرصت‌های آموزش حقوق بشر تأکید کردند، به شرح ذیل طبقه‌بندی شدند:

۱- چالش‌ها و مشکلات

- ۱۹ نفر بر «نبود نهاد تخصصی متولی آموزش حقوق بشر.»
- ۱۶ نفر بر «عدم شفافیت و نبود صراحت موارد قانونی در خصوص دستگاه متولی آموزش حقوق بشر.»

- ۱۷ نفر بر «ناهماهنگی بین دستگاه‌های حاکمیتی و نظارتی.»

- ۲۴ نفر بر «فقدان زیرساخت‌های آموزشی و فرهنگی در مراکز آموزشی (مدارس و دانشگاه‌ها).»

- ۲۲ نفر بر «عدم نیازسنجی مناسب در حوزه‌های مختلف آموزشی (مانند حوزه سیاسی و اجتماعی).»

- ۱۸ نفر بر «توسعه نامتوازن سیاسی و اجتماعی در بخش‌های مختلف کشور.»

- ۲۵ نفر بر «وجود تعصبات قومی و قبیله‌ای بین شهروندان.»

- ۱۵ نفر بر «برجسته‌کردن ارزش‌های سنتی و مذهبی.»

۲- فرصت‌ها و نقاط قوت

- ۲۶ نفر بر «وجود جمعیت جوانان و تحصیلکرده در شهرها و روستاها.»

- ۲۸ نفر بر «دسترسی آسان به اینترنت و فضای مجازی تقریباً در تمام کشور.»

- ۲۰ نفر بر «وجود تنوع فرهنگی برای تقویت فرهنگ ملی.»

- ۱۹ نفر بر «هزینه‌های پایین آموزشی نسبت به سایر کشورهای توسعه‌یافته.»

- ۲۳ نفر بر «برگزاری همایش‌ها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌های مختلف در خصوص موضوعات حقوق بشر در کشور.»

- ۱۷ نفر بر «انجام مطالعات متعدد در زمینه حقوق بشر در کشور.»

- ۲۱ نفر بر «فعالیت‌های مؤثر سازمان‌های غیر انتفاعی.»

- ۲۴ نفر بر «وجود صاحب‌نظران و اندیشمندان در حوزه مسائل حقوق بشر.»

- ۱۸ نفر بر «فراهم‌آوردن شرایط و فرصت‌های مطلوب شغلی.»

- ۲۳ نفر بر «تعادل، تعامل با محیط زیست و نگهداری آن.»

- ۲۵ نفر بر «توجه به کرامت انسانی و ارزش‌های اخلاقی.»

- ۲۴ نفر بر «برخوردراری شهروندان از حداقل حقوق انسانی برای بهتریستن (آموزش و پرورش، بهداشت و...)»

- ۱۹ نفر بر «تدوین برنامه‌های توانمندسازی و آموزش مهارت‌های شغلی.»

- ۲۸ نفر بر «برنامه‌های آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی به صورت رسمی.»

موارد فوق را جزء مؤلفه‌های کلیدی برای تدوین یک الگوی مطلوب آموزش حقوق بشر معرفی کردند. بر این اساس ۱۶ موضوع مذکور جزء تم‌های فرعی در نظر گرفته شده‌اند و از نظر پاسخ‌دهندگان باید در ارائه الگوی مطلوب آموزش حقوق بشر مد نظر قرار گیرند.

سؤال ۲: آیا بستر لازم برای آموزش‌های حقوق بشری در ایران وجود دارد؟ و فرصت‌ها و چالش‌های موجود تا چه اندازه بر کیفیت این آموزش‌ها تأثیر می‌گذارد؟

با بررسی پاسخ‌های جمع‌آوری شده می‌توان استنباط کرد آزادی و حق آموزش و پرورش از جمله مسائلی است که جنبه حقوق بشری دارد و اهمیت این موضوع در کشورهایی که در آن تکثرگرایی فرهنگی وجود دارد، دوچندان است، چراکه در کنار فرهنگ رسمی و ملی جامعه، خرده‌فرهنگ‌هایی وجود دارند که شاخص‌های حق آموزش در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است و در زمینه آزادی آموزش به حقوق اقلیت‌ها توجه شده است. برای مثال بیشتر پاسخ‌دهندگان بیان داشتند: «در قانون اساسی ایران در اصل ۳۰ صراحتاً بر این موضوع تأکید شده است. همچنین در بند «ج» از ماده ۱۹ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به تبعیت از ماده ۱۵ قانون اساسی، گویش محلی و ادبیات بومی در کنار زبان فارسی (که زبان رسمی کشور است) آزاد می‌باشد»، اما در عمل محدودیت‌های متعددی برای اجرای این آموزش‌ها وجود دارد که این موضوع می‌تواند به سایر محورهای حقوق بشری تعمیم داده شود. در جواب به سؤال فوق، دیدگاه‌های پاسخ

۱۹ - نفر «تعامل سازنده با سایر نهادهای دولتی و حکومتی داشته باشد.»

۲۷ - نفر «نیروهای متخصص در امور حقوق بشر در آن نهادها حضور داشته باشند.»

۲۶ - نفر «بودجه و امکانات مالی کافی برای آن اختصاص داده شود.»

۲۳ - نفر «در جلسات قوای سه‌گانه نماینده داشته باشند.»
۲۰ - نفر «در وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی دفتر نمایندگی داشته باشد.»

۲۴ - نفر «باید حق اظهار و اعمال نظر در مصوبات قانونی کشور را داشته باشد.»

موارد فوق از نظر پاسخ‌دهندگان به عنوان ویژگی‌های نهاد یا نهادهای متولی آموزش حقوق بشر معرفی شدند که در این تحقیق به عنوان تم‌های فرعی در نظر گرفته شده‌اند.

سؤال ۴: آموزش حقوق بشر تا چه اندازه بر ساختارهای اجتماعی (سیاسی و فرهنگی، مذهبی) تأثیر می‌گذارد؟

در پاسخ‌های به دست‌آمده بر این موضوع تأکید شده که «جوامع انسانی در گذر زمان با توجه به سطح نیازهایشان، نهادهایی اجتماعی را تأسیس می‌کنند تا متولی امور جامعه‌پذیری در آن جامعه باشند. بدیهی است که مقتضیات زمان و مکان می‌طلبد تا این انسجام در هر دوره‌ای متحول شود و در سطح عالی‌تری شکل بگیرد که از آن به توسعه سیاسی - اجتماعی نیز یاد می‌شود. در حال حاضر با توجه به تسهیل فرایندهای ارتباطی و تأثیرپذیری ساختارهای اجتماعی از همدیگر (چه در داخل و چه در خارج) عوامل محیطی بر نوع ساختار، عملکرد و رفتار نهادها و سازمان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند که در این بین آموزش حقوق بشر و نهادهای متولی آن نیز نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد. به نظر می‌رسد جوامع رو به رشد و توسعه در حال بازسازی و انطباق‌دهی خود با ارزش‌های دموکراتیک باشند و اصطلاحاً دموکراتیزه می‌شوند. در دنیای کنونی سازمان‌های متولی آموزش حقوق بشر مانند اکثر سازمان‌ها دارای شخصیت حقوقی مستقل، غیر دولتی، غیر انتفاعی و غیر سیاسی‌اند که برای انجام فعالیت‌های داوطلبانه با گرایش فرهنگی، اجتماعی،

۱۹ - نفر بر «تشکیل کمپین‌ها و نهادهای خودجوش مردمی در موارد نقض حقوق بشر.»

۲۲ - نفر بر «همکاری ایران با نهادها و مؤسسات منطقه‌ای و بین‌المللی.»

سؤال ۳: نهادهای متولی آموزش‌های حقوق بشری در ایران باید دارای چه ویژگی‌هایی باشد؟

در پاسخ‌ها بر این موضوع تأکید شده بود که «آموزش حقوق بشر فرایندی است که طی آن شهروندان حقوق و آزادی اولیه خود را یاد می‌گیرند. در برخی کشورها صرفاً یک نهاد و در برخی دیگر، چند نهاد برای آموزش حقوق بشر وجود دارند. در هر حال، چنین نهادی باید بر اساس ساختارها و معیارهای خاصی تشکیل شود و دارای کارویژه‌ها و اوصاف خاصی باشد. حمایت از حقوق بشر و آموزش‌های مرتبط با آن مستلزم دو اقدام مجزا است: اول، شناسایی حقوق بشر (یا هنجارسازی)؛ دوم، اعمال و اجرا و نظارت بر رعایت هنجارها و ایجاد سازکار نظارتی که البته اقدام دوم مکمل اقدام اول است و نبود یا ضعف هر کدام از این‌ها بر دیگری اثر می‌گذارد.» از آنجا که در نظام حقوقی ایران به صراحت در مورد سازمان یا نهادی که متولی آموزش حقوق بشر باشد، تأکید نشده است، می‌توان گفت همه نهادهای فعال در زمینه آموزش حقوق بشر بر اساس مصوباتی غیر از قانون ایجاد شده‌اند. در ایران نهادهای مختلفی به صورت موازی کم و بیش در امر آموزش فعال‌اند و فعالیت آن‌ها عملاً الزام‌آور نیست. پاسخ‌دهندگان بر موارد ذیل به عنوان ویژگی‌های نهادهای متولی آموزش حقوق بشر تأکید داشتند که بر اساس تعداد فراوانی عبارت‌اند از:

۲۲ - نفر «به موجب قانون ایجاد شود و وظایف و اختیارات آن مشخص و شفاف باشد.»

۱۸ - نفر «قابل اعتماد و کارآمد و پیگیر مسائل حقوقی و آزادی‌های شهروندان باشد.»

۱۶ - نفر «ناظر بر عملکرد دولت و حامی حقوق شهروندان باشد.»

۱۷ - نفر «مستقل از قوای حاکمیتی و نظارتی باشد.»

۲۵ - نفر «از قدرات اجرایی و قانونی کافی برخوردار باشد.»

بر اساس این موضوعات می‌توان استنباط کرد مفهوم آموزش حقوق بشر مفهوم گسترده‌ای را دربر می‌گیرد که آموزش و رویکردهای صلح را شامل می‌شود که جامعه را به شهروندمحوری، تبادل فرهنگی، عدالت اجتماعی و در نهایت دموکراسی رهنمود می‌کند. موارد فوق به عنوان تم‌های فرعی از پاسخ‌ها استخراج شدند و مطابق نظر پاسخ‌دهندگان آثار آموزش‌های حقوق بشر بر ساختارهای اجتماعی است.

سؤال ۵: با توجه به سازکارهای موجود در ایران کدام گروه‌ها برای آموزش حقوق بشر در اولویت قرار دارند؟

مطابق پاسخ‌های گردآوری‌شده بیشتر پاسخ‌دهندگان اعتقاد داشتند: هدف نهایی آموزش حقوق بشر توانمندسازی افراد است؛ توانمندی برای مشارکت مؤثر در جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک که تحت حاکمیت قانون اداره می‌شود. افراد در فرایند آموزش حقوق بشر گفتگوی مؤثر را می‌آموزند و زندگی مسالمت‌آمیز و احترام به تنوع و تکثر سایر عقاید و دیدگاه‌های انسان‌ها را تمرین می‌کنند. این فرایند آموزشی به دلیل این که سبب تغییر رفتار و نحوه عملکرد می‌شود، زمان‌بر است و باید در مراحل اولیه تعلیم و تربیت شهروندان آموزش داده شود. بدیهی است پایین‌ترین سطح آموزشی فرد، یعنی دوران ابتدایی، بهترین زمان شکل‌گیری شخصیت و نهادینه‌ساختن هنجارها و ارزش‌های انسانی است. در این راستا آموزش متناسب و اصولی حقوق بشر به تربیت شهروندانی مسؤولیت‌پذیر و آگاه به حقوق خود و دیگران می‌انجامد، البته تأکید اصلی بر این آموزش‌ها باید در سطوح پایین تحصیلی و در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی و دبیرستان باشد، زیرا فرایند تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌ها در آن سطوح آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر است. به علاوه باید گفت که آموزش‌های حقوق بشر باید به صورت مداوم باشد و با توجه به متقاضیات زمانی، سطح زندگی و مراحل بلوغ شهروندان توسعه یابد. از آنجا که در بطن جامعه، نهادها و سازمان‌های اجتماعی عهده‌دار وظایف اجرایی، حکومتی و تقنینی هستند، لازم است افراد و کارکنان شاغل در آن‌ها در سطح عالی از آموزش‌های حقوق بشر برخوردار شوند. این بدان معناست که کارکنان دستگاه‌های حکومتی و دولتی از طریق آموزش‌های قبل از استخدام یا حین خدمت به

مذهبی و بشردوستانه و بر اساس قانونمندی، اساسنامه مدون، رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌کنند. هدف اصلی چنین نهادهایی آموزش عمومی مردم در زمینه‌های مختلف است تا شهروندان را با حقوقشان آشنا کنند و شرایط برای زندگی مسالمت‌آمیز آن‌ها تسهیل شود. از یک طرف فرایند آموزش حقوق بشر در تربیت سیاسی به مانند هر فرایند آموزشی دیگر عناصر و اجزایی دارد که آگاهی و توجه نسبت به این عناصر می‌تواند به اجرای مؤثرتر آموزش حقوق بشر کمک کند. از طرفی دیگر توجه به بافت فرهنگی، مذهبی و نیازهای زندگی واقعی فراگیران بسیار اهمیت دارد، زیرا برنامه‌های آموزشی، زمانی مؤثر و موفق‌اند که با نیازها و خواست زندگی واقعی افراد منطبق بوده و بستر لازم را برای توانمندشدن آن‌ها ایجاد کنند. بنابراین آموزش‌های حقوق بشر در جامعه به طور قطع بر هر نوع تفکر و ایده‌ای و ساختارهای موجود تأثیر می‌گذارند.»

بر این مبنا پاسخ‌دهندگان به سؤال فوق موارد ذیل را به عنوان آثار آموزش حقوق بشر بر ساختارهای اجتماعی معرفی کردند که بر اساس میزان فراوانی آن‌ها عبارت‌اند از:

- ۲۴ نفر بر «عضوگیری و تشکیل گروه‌های سیاسی و اجتماعی».
- ۱۹ نفر بر «ایجاد هویت فردی و گروهی».
- ۲۱ نفر بر «کمک به تقویت فعالیت‌های رسانه‌ای».
- ۱۷ نفر بر «مسؤولیت‌بخشی به مردم».
- ۲۴ نفر بر «توسعه فرایندهای آموزش عمومی در زمینه‌های مختلف».
- ۲۶ نفر بر «تلاش برای ایجاد جامعه مدنی قدرتمند و توسعه فعالیت‌های آن».
- ۲۱ نفر بر «کمک به نزدیکی و تقرب خرده‌فرهنگ‌ها».
- ۲۲ نفر بر «کمک به کاهش رویدادهای خشونت‌آمیز (مانند خشونت‌های مستقیم، فرهنگی و ساختاری)».
- ۲۵ نفر بر «کمک به پذیرش عقاید مختلف».
- ۲۰ نفر بر «تساهل دینی و مذهبی».
- ۲۳ نفر بر «پذیرش افراد بومی و اقلیت‌ها».

دو دسته سازکار تعبیه شده است: ۱- سازکارهای سیاسی؛ ۲- شبه قضایی. سازکارهای سیاسی به صرف عضویت دولت‌ها در سازمان ملل علیه آن‌ها اعمال می‌شود و این را دلیل سیاسی می‌خوانند، چون نمایندگان دولت‌ها در آن‌ها شرکت دارند و تصمیمات آن‌ها نظر دولت‌های متبوعشان است و نه نظر قضات مستقل و بی‌طرف. در حال حاضر، قطع‌نامه‌های حقوق بشری مجمع عمومی سازمان ملل علیه ایران و نیز نظارت‌های شورای حقوق بشر بر ایران از جمله نصب گزارشگر ویژه حقوق بشر در مورد ایران، در واقع، اهرم‌های فشار سیاسی بر کشور ما محسوب می‌شوند، البته فعال‌شدن و تداوم این نظارت‌ها غالباً به استناد داده‌ها و گزارش‌ها و شکایت‌هایی است که از شهروندان ایرانی به طور مستقیم یا غیر مستقیم به دست آن‌ها می‌رسد. نکته اینجاست که در صورت ایجاد نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی، این نهاد می‌تواند همانند نهادهای موجود در بسیاری از کشورهای جهان با رسیدگی به ادعاهای نقض حقوق بشر و شهروندی در داخل کشور از سرازیر شدن ادعاها و شکایت‌های راجع به نقض حقوق بشر و شهروندی به نهادها و مراجع بین‌المللی پیشگیری کند و بهانه‌ها و داده‌ها و مستندات ادعایی آن‌ها را برای پرونده‌سازی علیه کشور ما به حداقل برساند. علاوه بر خلأ نهادی موجود به لحاظ نظری نیاز به ایجاد نهاد ملی در ایران احساس می‌شود. وجود نهادهای مختلفی که با موازی‌کاری، پراکنده‌کاری و بدون برنامه در حوزه حقوق بشر فعالیت می‌کنند و تاکنون نیز دستاورد ملموسی در پیشبرد حقوق بشر یا حقوق شهروندی نداشته‌اند ایجاب می‌کند که ظرفیت‌های موجود، حسب مورد، تجمیع، تقویت، هم‌گرا و هم‌افزا شوند تا از اتلاف منابع و امکانات کشور پیشگیری شود و ایجاد نهاد ملی تدبیری است برای تحقق این هدف.»

با بررسی وظایف قوه مجریه می‌توان دریافت این قوه در مقایسه با سایر قوا بیشترین ارتباط مستقیم را با حقوق بشر و شهروندی دارد. اگر فهرست این حقوق در سه گروه معروف حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و حقوق همبستگی دسته‌بندی شود، باید گفت که تنها یکی از حقوق واقع در فهرست حقوق مدنی و سیاسی، یعنی حق

طور مداوم با موضوعات حقوق بشر آشنا شوند و نحوه کارکردهای آن را یاد بگیرند، زیرا این افراد به طور مستقیم و غیر مستقیم با سایر شهروندان در ارتباط هستند. این موضوع نشان می‌دهد که آموزش تک‌تک افراد جامعه حائز اهمیت است و باید به طور ویژه به آن توجه شود، اما در این بین آموزش برخی از گروه‌ها نسبت به سایرین در اولویت قرار دارند. در ذیل تعدادی از گروه‌های اولویت‌دار از نظر پاسخ دهنندگان مشخص و بر آن‌ها تأکید شده است که بر حسب تعداد فراوانی عبارت‌اند از:

- ۲۹ نفر بر «کودکان و نوجوانان.»

- ۳۰ نفر بر «زنان.»

- ۲۲ نفر بر «گروه‌های آسیب‌پذیر در سطح جامعه از جمله

نیروی کار مهاجر.»

- ۲۸ نفر بر «افراد متعلق به اقلیت‌های قومی، مذهبی و

زبانی.»

- ۲۵ نفر بر «حقوق افراد معلول.»

- ۱۹ نفر بر «کارکنان دولت.»

- ۲۱ نفر بر «ضابطان دستگاه‌های امنیتی، نظامی و انتظامی.»

- ۱۸ نفر بر «ساکنان روستاها و مناطق محروم و توسعه

نیافته.»

موارد فوق، مورد اجماع پاسخ‌دهندگان بود و به عنوان

تم‌های فرعی از پاسخ‌ها استخراج شد.

سؤال ۶: تأسیس نهاد ملی حقوق بشر تا چه اندازه ضروری

است و کارکردهای آن در دفاع از حقوق شهروندان و

آموزش‌های حقوق بشر چیست؟

بر اساس پاسخ گردآوری‌شده تقریباً همه پاسخ‌دهندگان

معتقد بودند «شناسایی و تحقق حقوق بشر به دلیل ماهیت

دوگانه اخلاقی - سیاسی این حقوق چه در سطوح ملی و چه

در سطح بین‌المللی همواره با مقاومت بسیار مواجه بوده و در

یک روند نسبتاً کند، تدریجی و پیچیده پیش رفته است. ایجاد

نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی یکی از راه‌های ضروری

اصلاح تصویر بین‌المللی از وضعیت حقوق بشر در ایران و نیز

خاتمه‌دادن به پرونده‌سازی‌های حقوق بشری علیه کشور است.

توضیح آنکه برای نظارت بر حقوق مذکور در سطح بین‌المللی

- ۱۹ - نفر بر «ایجاد زمینه لازم برای اجرای اعلامیه حقوق بشر اسلامی.»
- ۱۸ - نفر بر «عملیاتی‌کردن اعلامیه شورای حقوق بشر سازمان ملل.»
- ۱۷ - نفر بر «نهادی مطمئن و ابزار مدرن برای تضمین رعایت حقوق بشر.»
- ۲۲ - نفر بر «تشریک مساعی با سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای مرتبط با حقوق بشر.»
- ۲۱ - نفر بر «ارائه توصیه‌نامه برای اطمینان از تطابق آن با اصول اساسی حقوق بشر.»
- ۲۰ - نفر بر «توصیه تدوین قوانین جدید یا اصلاح قانون یا اقدامات اجرایی.»
- ۲۴ - نفر بر «شرکت در تدوین برنامه‌های آموزشی حقوق بشر و مشارکت برای اجرای آن‌ها.»
- ۱۶ - نفر بر «بررسی و توجه‌دادن دولت به موقعیت‌های نقض حقوق بشر و ارائه توصیه برای خاتمه‌دادن به آن.»
- ۲۶ - نفر بر «عمومی‌کردن آموزش‌های حقوق بشر و مبارزه با هرگونه تبعیض.»
- ۱۸ - نفر بر «ارائه کمک‌های مشاوره‌ای به طرفین دعوا در زمینه حقوق آن‌ها و راه‌های جبران خسارت‌ها.»
- موارد فوق از پاسخ‌های به دست‌آمده استخراج و به عنوان تم‌های فرعی منظور شده‌اند.

نتیجه‌گیری

- بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، آموزش حقوق بشر در ایران بر اساس معیارهای زیر تحقق می‌پذیرد:
- ۱- تدوین برنامه‌های آموزشی مبتنی بر مهارت‌آموزی و توانمندساختن گروه‌های اولویت‌دار (مانند کودکان، زنان، افراد معلول، اقلیت‌های دینی و قومی و نیروی کار مهاجر). این برنامه‌ها می‌تواند به صورت رسمی و غیر رسمی در مراکز و آموزشگاه‌ها (مانند مدارس، دانشگاه‌ها و...) اجرا شود.
 - ۲- برگزاری دوره‌های آموزشی به منظور آشنایی با فرهنگ‌ها و ارزش‌های مناطق مختلف از مهم‌ترین فعالیت‌های آموزش حقوق بشر است که می‌تواند در راستای تقرب و

دادرسی منصفانه (با حق‌های فرعی و مشتقی که در ذیل آن قرار می‌گیرند) با قوه قضاییه ارتباط مستقیم دارد، در حالی که همه حقوق حتی حق دادرسی منصفانه (در نظام اداری و مراجع شبه‌قضایی) با قوه مجریه ارتباط می‌یابند، البته نباید فراموش کرد که همه حقوق بشر و شهروندی برای تحقق یافتن باید از حمایت‌های قضایی برخوردار شوند و دادگاه‌ها باید به آن‌ها ترتیب اثر دهند، اما این امر در خصوص همه حقوق صادق است نه صرفاً در مورد حقوق بشر یا شهروندی. اصل ۱۵۶ قانون اساسی وظایف قوه قضاییه را برشمرده و آنچه از این وظایف به مقوله حقوق بشر و شهروندی ارتباط پیدا می‌کند، «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است. علاوه بر این، ستادی وابسته به این قوه موسوم به ستاد حقوق بشر قوه قضاییه وجود دارد که به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی عهده‌دار مسائل حقوق بشری جمهوری اسلامی ایران در نهادهای بین‌المللی است. بر این مبنا در ایران نهاد یا سازمانی که به صورت تخصصی در امر حقوق بشر و آموزش‌های مرتبط با آن فعالیت کند، وجود ندارد، البته باید یادآور شد نهادهای داخلی که دارای کارویژه‌های مشابه نهاد ملی‌اند، فعال هستند. در این راستا به نظر می‌رسد وجود نهاد ملی برای پیگیری و تبیین آزادی‌های مشروع شهروندان بسیار ضروری و حائز اهمیت است. وظایف نهاد ملی حقوق در دو حوزه: ۱- صلاحیت ارتقا و محافظت از حقوق بشر؛ ۲- صلاحیت‌های اضافی شبه‌قضایی است که در هر دو مورد برای رفع تبعیض‌ها و جستجوی راه‌حل‌های دوستانه برای کاهش تنش‌ها تلاش می‌شود. مطابق پاسخ‌های به دست‌آمده، پاسخ‌دهندگان به تعداد فراوانی بر روی موارد ذیل به عنوان کارکردهای اصلی نهاد ملی حقوق بشر تأکید داشتند:

۲۳ - نفر بر «شفاف‌سازی مسائل حقوق بشر و آزادی‌های موجود در عرصه داخلی و بین‌المللی.»

۲۰ - نفر بر «پیشگیری از اشاعه اخبار غیر واقعی در زمینه حقوق بشر.»

۱۷ - نفر بر «فراهم‌آوردن بستر لازم برای نظارت و بررسی دقیق سازمان‌های بین‌المللی.»

استفاده بهینه منابع نیازمند آموزش فرهنگ مصرف درست در بین شهروندان است تا ضمن حفظ امنیت و ثبات جامعه، مسیر توسعه و فرایند انتقال صلح پایدار بیش از پیش نمود پیدا کند.

در آخر باید گفت هدف اصلی از این تحقیق ارائه الگوی مناسب و کارآمد آموزش حقوق بشر متناسب با ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور است، لذا همه جوانب آموزش حقوق بشر مد نظر قرار نگرفته است. در این رابطه به محققان و دانشجویان پژوهش موارد ذیل پیشنهاد می‌شود:

- عملکرد و وظایف دولت در آموزش حقوق بشر.
- بررسی تطبیق روش‌های آموزش حقوق بشر در جوامع در حال توسعه.
- نقش جامعه مدنی و نهادهای غیر دولتی در آموزش حقوق بشر.
- بررسی چالش‌های تأسیس نهاد ملی حقوق بشر.
- جایگاه آموزش حقوق بشر در فرایند توسعه.

سازگاری بین فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگی انجام شود. این اقدام ضمن ایجاد انسجام اجتماعی، ظرفیت گروه‌های مختلف جامعه را در پذیرش و احترام به عقاید دیگر تضمین می‌کند که در ادامه عامل کلیدی در برقراری تساهل فرهنگی و قومیتی می‌شود و در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و تهاجمی مؤثر خواهد بود.

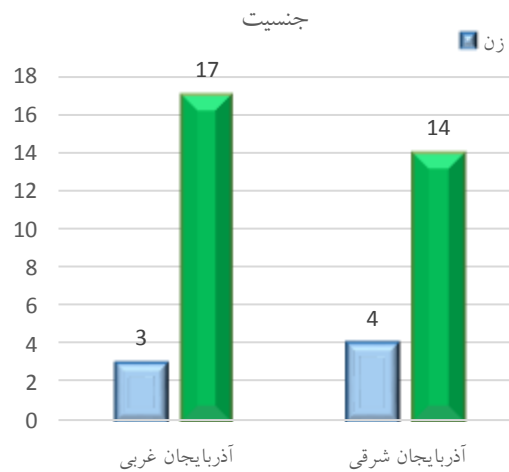
۳- توسعه و تقویت ظرفیت‌های ملی و منطقه‌ای عامل مؤثر در ارتقای فرایند آموزش حقوق بشر به شمار می‌آید که از طریق اهرم‌های اجتماعی چون ایجاد جامعه مدنی قوی و فعالیت‌های رسانه‌ای (مانند صدا و سیما، شبکه‌های اجتماعی) امکان‌پذیر است. اهرم‌های مذکور توانایی تبادل افکار و اطلاعات را بین جریان‌ها و گروه‌های مختلف جامعه دارند و جامعه را به سوی مدل شهروندمحوری سوق می‌دهند. در مدل شهروند محوری، تک‌تک شهروندان ضمن برخورداری از حقوق برابر و یکسان، عامل رشد و پویایی جامعه محسوب می‌شوند. به علاوه شهروندمحوری بستر لازم را برای ایجاد عدالت اجتماعی هموار می‌کند و تمرین عملی برای استقرار جامعه مبتنی بر مشارکت، اخلاقیات و ارزش‌هاست که در نهایت، روح دموکراسی تجلی می‌یابد.

۴- شناسایی مناطق محروم و توسعه‌نیافته و تلاش برای احقاق حقوق آن‌ها تا از امکانات لازم رفاهی و آموزشی بهره‌مند شوند. این برنامه‌ها باید در قالب طرح‌های محرومیت‌زدایی قابلیت اجرا داشته باشد، به طوری که افراد مشمول این طرح‌ها باید از امکانات آموزشی، بهداشتی و تفریحی بهره‌مند شوند.

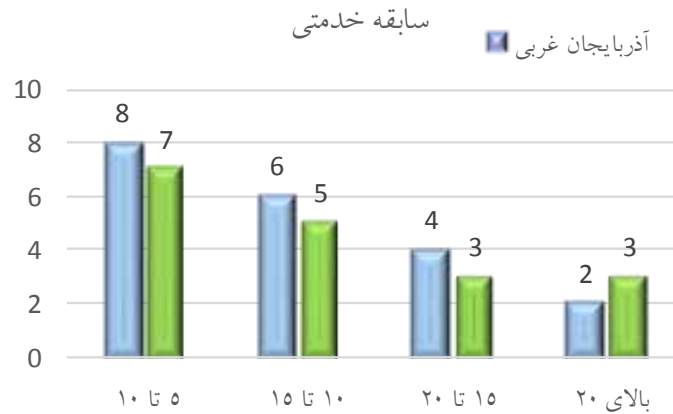
۵- برنامه‌های آموزش نهاد ملی حقوق بشر باید حول محور برنامه‌های حفاظت از محیط زیست طراحی و اجرا شوند. حفاظت از محیط زیست موضوع توسعه پایدار را تضمین می‌کند، به طوری که با در نظر گرفتن ظرفیت‌های محدود منابع طبیعی، باید اولاً نیازهای جامعه در حال حاضر اولویت بندی و نسبت به تأمین آن‌ها اقدام شود؛ ثانیاً به نحوی منابع موجود را مدیریت کرد تا نسل‌های آینده از آن منابع بهره‌مند شوند. از آنجا که بیشتر تعارضات و جنگ‌ها بر سر کمبود یا نبود منابع طبیعی (از جمله آب، نفت و گاز) است، نحوه

جدول ۱: وضعیت جمعیت‌شناختی افراد مورد مطالعه

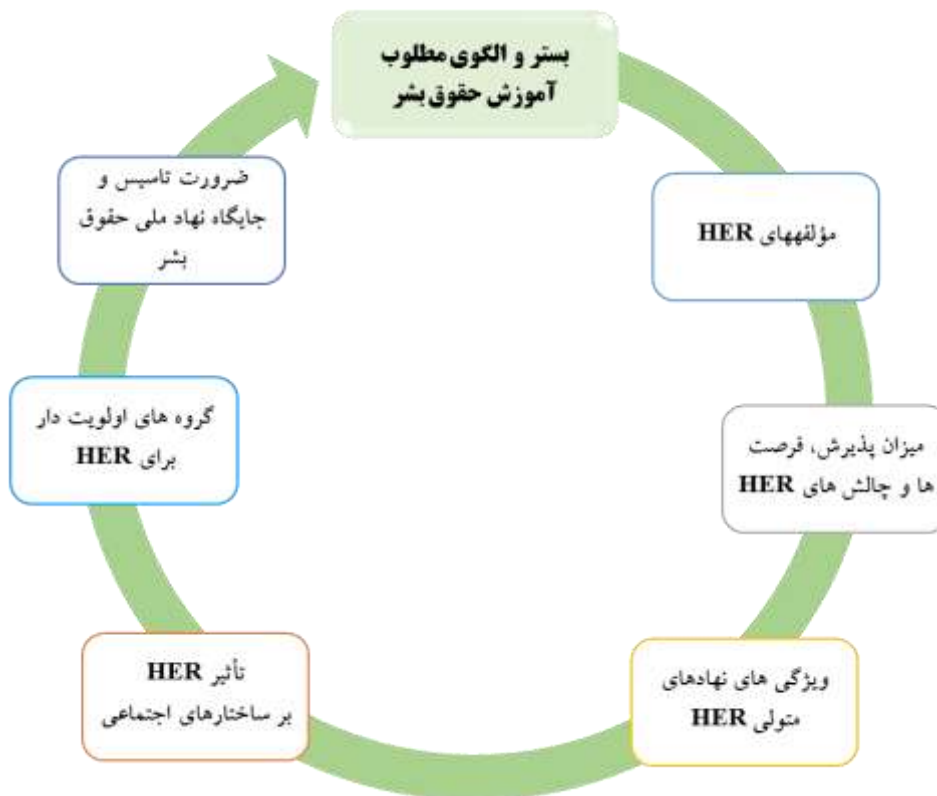
آذربایجان شرقی				آذربایجان غربی				
جامعه‌شناسی	حقوق بین‌الملل	حقوق عمومی	علوم سیاسی	جامعه‌شناسی	حقوق بین‌الملل	حقوق عمومی	علوم سیاسی	رشته و سطح تحصیلات
۲	۱	۲	۱	۳	۲	۲	۲	استادیار
۲	۲	۱	۲	۱	۱	۱	۲	دانشیار
۱	۱	۱	۲	۱	۲	۲	۱	استاد
۱۸				۲۰				مجموع
زن		مرد		زن		مرد		جنسیت
۴		۱۴		۳		۱۷		
بالای ۲۰	۱۵ تا ۲۰	۱۰ تا ۱۵	۵ تا ۱۰	بالای ۲۰	۱۵ تا ۲۰	۱۰ تا ۱۵	۵ تا ۱۰	سابقه خدمتی (به سال)
۳	۳	۵	۷	۲	۴	۶	۸	



نمودار ۱: وضعیت جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه بر اساس جنسیت



نمودار ۲: وضعیت نمونه مورد مطالعه بر اساس سابقه خدمتی



شکل ۱: مدل مفهومی الگوی مطلوب آموزش حقوق بشر در ایران

References

1. Niavarani S. The Status of the Right to Education in the International Human rights System. *Journal Legal Research* 2010; 13(144): 381-433.
2. Keed SH. A Few Suggestions for Human Rights Education. Tehran: Publisher UNESCO National Commeission of Iran; 2012.
3. Dekhoda AA. Dekhoda Dictionary. Tehran: Publisher University of Tehran; 2011.
4. Heywood A. Keywords in politics and Public law. Translated by Amir Arjemand A, Mavalizadeh B. Tehran: Publisher Amir Kabir; 2013.
5. Rageb Isfahani HA. Almofradat. Beirut: Publisher Daralshamieh; 1990.
6. Friman M. Human Rights. An interdiscriplinary approach. Translated by Kianfar M. Tehran: Publisher Hermes; 2015.
7. Moien M. Pochet Persian Culture. Collected by Alizadeh A. Tehran: Publisher Rah Arshad; 2016.
8. Hashemi N. Education in the Capital of Human Beings. Isfahan: Publisher Kankash; 2015.
9. Manochehri F. Study of Distance education System and its role in teaching the Concepts of Peace and Human Rights. Master Thesis. Tehran: University of Payam Noor; 2013.
10. Navab Daneshmand F. A Study of Some Methods of Human rights education. *Legal Journal* 2007; 1(37): 129-157.
11. Amir Arjemand A. Human Rights education. *Magazine Legal Research* 2007; 1(25): 159-180.
12. Charbashlow H. The place of Human rights Components in the Content of Iranian Primary Education Texbook. *Journal Theory and Practice in the Curriculum* 2013; 1(1): 147-167.
13. Ansari B. Human Rights education. Tehran: Publisher Majd; 2011.
14. Islami R, Behrouzikhah A. Human Rights education to deny Violence. *Magazine Legal Research* 2014; 25(13): 5-28.
15. Tibbitts F, Kirchschräger PG. Perspectives of research on human rights education. *Journal of Human Rights Education* 2010; 2(1): 8-29.